

۶

کلوز آپ

خاطرات کنجی میزوگوچی

یوشیکاٹا یونا

ترجمہء عظیم جابری



فهرست

- مقدمه / میز و گوچی: بازتاب میل / ژان دوشه / ۷
یوشیکاتا یودا / ۱۹ / ۱۵
خاطرات کنجی میز و گوچی / ۲۱

یوشیکاتا یودا

یوشیکاتا یودا فیلم‌نامه‌نویس تمام فیلم‌های بزرگ میزوگوچی از سال ۱۹۳۶ به بعد بود: مرثیه‌ی اوزاکا، خواهران گیون، زنان شب، دوشیزه اوئو، زندگی اوهارو روسپی درباری، حکایات ماه محو پس از باران، سانشوی مباشر، زنی که از او صحبت می‌کنند، عشاق مصلوب، شهبانو یانگ کوی-فی، قهرمان حرمت‌شکن... یودا در سال ۱۹۰۹ در کیوتو به دنیا آمد، یعنی ده سال بعد از میزوگوچی. در سال ۱۹۳۰، به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس وارد اولین کمپانی فیلم‌سازی در ژاپن یعنی نیکاتسو شد. او به دنبال اوضاع و شرایط مختلف با کمپانی‌های دایچی ایگا^۱ شینکو کینما^۲ و دانی^۳ همکاری کرد. در سال ۱۹۴۸، تبدیل به فیلم‌نامه‌نویس مستقلی شد: بدین ترتیب، رفیق راه میزوگوچی و سینمای ژاپن گردید، دست‌کم از زمان شروع واقعی‌شان. وقایع‌نگاری یک دست‌اندرکار سینما، یعنی متن‌هایی که در ادامه می‌آید، مجموعه‌ای از خاطرات شخصی است، اسنادی گران‌بها، تأملاتی در باب میزوگوچی و کلاً سینمای ژاپن. یودا که نزدیک به بیست سال در کنار فیلم‌ساز زندگی کرده است، به شکل داستانی بلند یا روی یک طومار نقاشی ژاپنی، داستان میزوگوچی را تعریف می‌کند، نوعی مستند درباره‌ی این مرد و هنرش: رؤیاهایش، شادی-هایش، غم‌هایش، نگاهش به امور، سبکش، زندگی‌اش... چیزی که در این متن خواهیم

1. Daiichi Eiga
2. Shinko Kinema
3. Daiei

یافت عشق (و عصیان) پسری نسبت به پدرش است، احترام (و مبارزه طلبی) شاگردی نسبت به استادش، ستایش (و انتقاد) یک سینمادوست نسبت به کارگردان مورد علاقه اش، شور و هیجان یک همکار نسبت به رئیسی مورد احترام، خلاصه، برخورد کامل و ضروری یک فیلم نامه نویس در برابر کارگردانش. فرم این نوشته ها به صورت نامه است؛ در واقع یوشیکاتا یودا بنابه درخواست سردبیر مجله ی ژاپنی ایگا گیجوتسو^۱، خاطراتش را به روی کاغذ آورده است (او بعدها این یادداشت ها را در کتابی تحت عنوان زندگی و آثار کنجی میزوگوچی جمع آوری و منتشر کرد). این کتاب مملو است از عبارات و اصطلاحاتی که گهگاه کمی زیادی خاصی «بوطیقا»^۲ی ملی است: ظرافت، باریک بینی، سادگی و در عین حال، بعضی مبالغه های غیر منطقی.

خاطرات کنجی میزوگوچی

یوشیکاتا یودا

قای سردبیر.

از من خواسته اید چند کلمه ای درباره ی کنجی میزوگوچی بنویسم و این واقعاً مایه ی خوشحالی ام است. پنج سال از زمان مرگ او می گذرد و ماه اوت آینده سالگرد فوتش خواهد بود. هر روز به این فکر می کنم که چه میراث بزرگی برای سینمای ژاپن بر جای گذاشته است.

جشنواره ی ونیز پس از مرگ میزوگوچی به یاد او بازبینی آثارش را برنامه ریزی کرد؛ بعد از چارلی چاپلین، این برای دومین بار بود که چنین برنامه ای گذاشته می شد. امسال هم جشنواره ی کن قصد دارد بزرگداشتی از او به عمل آورد که برنامه ریزی و اجرای آن به عهده ی آقای آندره کایات^۱ است. بی نهایت خوشحالم که می بینم سینماگران جوان موج نو به بررسی آثار میزوگوچی علاقه مندند.

مطمئن نیستم که بتوانم به اساس هنر او دست پیدا کنم، اما از آن جایی که به مدت بیست سال دوشادوش میزوگوچی زندگی و کار کرده ام، خاطرات زیادی در ذهنم انباشته شده که می خواهم به روی کاغذ بیاورم و چون امیدوارم این بتواند در پژوهش ها درباره ی هنر او و شخصیتش نقشی داشته باشد، متقاعد شدم که درخواست تان را بپذیرم.